

معمای رگولاتوری

وقتی سیاست گذار، ناظر و ذی نفع در پتروشیمی یکی می شود



صنعت پتروشیمی ایران پس از بیش از ۶ دهه فعالیت و دستیابی به ظرفیت تولید نزدیک به ۱۰۰ میلیون تن در سال، به یکی از ستون های اصلی ارزآوری و تابآوری اقتصاد کشور بدل شده است؛ صنعتی که در سال های تحریم نفت، نقشی فراتر از یک بخش صنعتی ایفا کرد و در عمل بخشی از بار اقتصاد ملی را به دوش کشید. با این حال، با وجود این بلوغ کمی و اهمیت راهبردی، پتروشیمی ایران همچنان از یک ضعف ساختاری رنج می برد: نبود یک رگولاتوری مؤثر، مستقل و پذیرفته شده از سوی فعالان صنعت.

شرکت ملی صنایع پتروشیمی که روزگاری همزمان سیاست گذار و مالک اصلی مجتمع ها بود، پس از خصوصی سازی گسترده دهه ۱۳۸۰، در جایگاهی میان سیاست گذاری، تنظیم گری و ذی نفعی قرار گرفت؛ جایگاهی مبهم که نه امکان اعمال مقررات الزام آور را فراهم کرده و نه توانسته اعتماد بخش خصوصی را جلب کند. این ابهام نهادی، در کنار تعارض منافع، ناترازی خوراک، توسعه نامتوازن زنجیره ارزش و تمرکز سرمایه بر محصولات پایه، امروز به یکی از چالش های اصلی آینده پتروشیمی ایران تبدیل شده است.

مجید رئوفی، کارشناس انرژی در گفت و گو با «ایران» با نگاهی تحلیلی به ریشه های تاریخی و نهادی این مسأله، به این پرسش پاسخ می دهد که چرا پس از گذشت بیش از ۶۰ سال، صنعت پتروشیمی ایران هنوز از یک رگولاتور واقعی برخوردار نیست.

اقتصاد ایران دهه ها وابسته به ارز حاصل از صادرات نفت بود و به آن عادت کرده بود. وقتی در سال های ۹۰ و ۹۱ تحریم ها علیه صادرات نفت ایران اعمال شد، اقتصاد نسبتاً قوی و باپشتوانه کشور، با اغتشاشی روبه رو شد که در دو دهه پیش تر کمتر با آن مواجهه و نسبت به آن آشنایی داشت. در این مدت، بخش پتروشیمی ایران با اتکا به خوراک فراوان گاز در مسیر توسعه قرار گرفته و درآمد نسبی خوبی هم برای مجتمع ها و صنعت پتروشیمی کشور ایجاد کرده بود.

■ بیش از ۶۰ سال از شکل گیری صنعت پتروشیمی ایران می گذرد و امروز ظرفیت تولید به حدود ۱۰۰ میلیون تن در سال رسیده است. با وجود این بلوغ صنعتی، چرا شرکت ملی صنایع پتروشیمی هنوز نتوانسته یک رگولاتوری مؤثر و پذیرفته شده در این صنعت ایجاد کند؟

برای پاسخ به این پرسش، به نظرم مناسب است ابتدا نگاهی به موقعیت و اهمیت صنعت پتروشیمی در دوره فعلی داشته باشیم.